

یادداشت

ناترازی

با خروج آمریکا از معاهده برجام به دستور ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری او و تاسی شرکت‌های اروپایی و گره‌ای و زاپنی به تحریم‌های آمریکا همراه با افزایش غنی‌سازی اورانیوم در عکس‌العمل به خروج آمریکا از برجام، روابط اقتصادی بین‌المللی به‌خصوص با قبول‌نکردن مقررات FATF به‌شدت کاهش یافت و استفاده از مؤسسات تراستی برای جابه‌جایی ارز صادرات و نفت رونق گرفت و بانک مرکزی با ابداع انواع ارزهای مختلف و نیز بازکردن دریچه صندوق ارز ملی برای مصارف مختلف و بعضاً بیجا و غیرضروری، به تضعیف سپرده‌های ارزی ایران پرداخت. خروج آمریکا از برجام که ایدئال رژیم صهیونیستی و برهم‌خوردن آن که خواست نیروهای تندرو داخلی بود، تمایل به پیوستن ایران به اقتصاد جهانی و تنش‌زدایی بین‌المللی را نقش بر آب کرد و از آن پس رویه‌ای که غرب و اسرائیل علیه ایران برای تنش‌زایی پیش گرفتند و گروه‌های تندرو داخلی حسب خواست آنان دانسته یا ندانسته عمل می‌کردند، باعث عدم تفاهم مجدد و تشدید روابط نامطلوب ایران با غرب شد. حاصل این اقدامات و اقدامات مشابه دوره حجت‌الاسلام رئیسی و نیز ریاست‌جمهوری فعلی که همراه با عدم اصلاحات، رهاکردن اقتصاد ولنگار و تشدید تحریم‌ها بود، تصویری از وضع و شیوه اقتصاد ایران همراه با سیاست خارجی و تبعات آن به صورت زیر را به ارمان آورده است:

الف. سیاست خارجی و عکس‌العمل برون‌مرزی

- تداوم شعار مرگ بر آمریکا

- تداوم بیان نابودکردن اسرائیل

- ادامه غنی‌سازی تا ۶۰ درصد و حساس‌شدن قدرت‌ها به ایران درخصوص تولید بمب اتمی

- مهاشات با همسایگان علی‌رغم دشمنی آنها و بعضاً جسارت آنها

- صدور قطع‌نامه‌های متعدد علیه ایران ازجمله در مورد حقوق بشر

- ضعیف‌شدن و از‌دست‌رفتن برخی هم‌پیمانان نظیر سوریه، ونزوئلا، حزب‌الله و...

- همراهی با چین و روسیه علی‌رغم همکاری نزدیک آنها با اسرائیل و مشارکت آنها در صدور قطع‌نامه‌ها

- قبول‌نکردن ضوابط بانکی FATF

- تداوم تحریم‌ها علیه ایران و سخت‌ترشدن آن

- فشار آمریکا برای انزوای ایران و به سازش کشیدن ایران با اسرائیل و خلع سلاح ایران و عمومی‌کردن پیمان ابراهیم در منطقه که نتایج اقتصادی زیر را در خارج از کشور موجب شد:

قطع رابطه بانکی بین‌المللی، فروش با زحمت نفت با تخفیف بسیار، عدم معاملات خارجی با شرکت‌های معتبر دنیا، خرید نیازها از طریق واسطه‌ها و تراستی‌ها، دریافت وجوه صادرات از طریق واسطه‌ها (تراستی‌ها)، دریافت وجوه نفت از چین صرفاً از طریق کالاهای چینی، خرید کالای کشورهای تحریم‌کننده ایران از طریق واسطه‌ها، مشکلات حمل‌ونقل دریایی و هوایی و این در حالی بود که در داخل ایران هیچ‌گونه اندیشه طراحی اقتصاد حسب شرایط بین‌المللی و فشار روزافزون غرب وجود نداشت و در نتیجه اقتصاد ایران با تصویر زیر قوام یافت.

ب. شرایط فعلی ایران (اقتصاد)

- مصرف تمام گاز استخراجی در داخل و کاهش تولیدات وابسته به آن

- مصرف تمام بنزین تولیدی به علاوه چند میلیارد دلار بنزین وارداتی

- قاچاق ۲۰ میلیارد دلار کالا به ایران

- قاچاق روزانه ۲۰ میلیون لیتر سوخت به خارج

- عدم کنترل مرزها و ورود و خروج قاچاق کالا و افراد ناشناخته

- مشکلات تخصیص ارز به کارخانجات و روی آوردن آنها به قاچاق کالا

- عدم تأمین گاز کارخانجات پتروشیمی برای تولید

- افت تولید فولاد و پتروشیمی

- افزایش نقدینگی به صورت کلان

- واردات کلای لوکس (قاچاق و...)

- مصرف مسرفانه آب، برق، گاز توسط مردم و نهاده‌ا

- بهره حدود ۳۰ درصد بانکی به سپرده‌گذاری و افزایش سپرده‌ها به همین دلیل

در بانک‌ها

- واردات ۱۵ میلیارد دلار مواد غذایی و نهاده‌های دامی

- کشاورزی در جهت زوال

- ساخت‌وساز بی‌ضابطه لوکس‌گرای اماکن مسکونی و تجاری و اداری

- بازار و تجارت آشفته بدون ضابطه

- در شرف تعطیل‌شدن برخی واحدهای تولیدی

- عدم نوسازی در همه زمینه‌ها

- عدم کارایی سازمان‌های دولتی

- هرج‌ومرج داخلی اقتصاد- شلخته‌گرایی اقتصاد

- رانت‌خواری و فساد درونی

- افزایش بی‌رویه نرخ ارز

- کاهش قدرت خرید مردم

- مهاجرت نخبگان پزشکی، نفت، آی‌تی و...

- شرایط رو به زوال محیط زیست

- انجام‌دادن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام رهبری.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در برابر سیاست‌های خارجی و تبعات آن در خارج از کشور که «الف» خوانده می‌شود، جریانات اقتصادی در داخل کشور به صورتی که «ب» خوانده می‌شود، در حال انجام بوده و هست و این بزرگ‌ترین ناترازی و ریشه همه ناترازی‌های دیگر در کشور است. علی‌الاصول در برابر «الف» باید سیاست‌های متناسب با مشکلات حادث از آن طراحی و به اجرا گذاشته شود؛ درحالی‌که وادادگی و رهاسازی اقتصاد و حتی سیاست‌های دولت‌تشدیدکننده وادادگی و رهاسازی در کشور بوده و هست. اینک صرف‌نظر از احتمال حمله نظامی استکبار و درگیری نظامی که تبعات آن نامعلوم و غیرقابل پیش‌بینی است، به حالت‌های مختلف «الف» و «ب» در آینده می‌پردازیم.

۱. اگر «الف» همچنان ادامه پیدا کند، طبیعی است که ارتباطات اقتصادی و درآمد‌های ارزی و بازگشت درآمد‌ها همچنان در تنگنا خواهد بود. بنابراین تغییر اساسی متناسب با این تنگناها باید در «ب» به وجود آید تا مردم ایران بتوانند به حداقل‌های لازم برای زندگی دست پیدا کنند و شرایط زیستی نزول پیدا نکنند. این سیاست‌ها در مرحله نخست باید بتوانند مناسب با درآمد ارزی و مشکلات ناشی از بازگشت ارزهای کشور طراحی شود و فشار معیشت از دوش مردم برداشته شود و در عین حال شرایط زیست‌محیطی و تخریب محیطی را متوقف کند و اصل اساسی آن جلوگیری از اسراف در همه زمینه‌ها و انضباط مالی به نحو انقباضی است.

۲. اگر در سیاست‌های خارجی و رفتار تحریم‌کنندگان تغییراتی حاصل و امکانات بهتر ارزی فراهم شد، باید علاوه بر برداشت فشار معیشت از مردم، به جبران مافات در ایران پرداخته شود؛ زیرا روند فعلی ایران، جامعه‌ای رو به زوال را نشان می‌دهد و بنابراین باز هم ادامه تجدیدنظر‌کلی در سیاست‌ها و روش‌های اقتصادی ایران ضروری به نظر می‌رسد و تنها در آن صورت است که می‌تواند امید مردم را به آینده کشور متبلول کند. با توجه به شرایط فعلی، پیشنهاد می‌شود بند ۱ مورد توجه قرار گرفته و در صورت ایجاد شرایط بند ۲ تداوم سیاست‌های ذکرشده در بند ۱، سیاست‌هایی برای جبران مافات زیان‌های وارده به ایران تدوین شود و البته چنانچه اراده‌ای برای این کار وجود داشته باشد، می‌توان جزئیات امر و راهکارهای لازم را به کمک مسئولان متعهد تدوین کرد.

شرق: سایه نوری المالکی بار دیگر بر سر بغداد

سنگینی می‌کند؛ مردی که نامش با فراز و فرودهای فراوانی در دو دوره نخست‌وزیری‌اش گره خورده است. این سیاست‌مدار شناخته‌شده اکنون با سد محکم واشنگتن برای ثبت سومین دوره نخست‌وزیری مواجه شده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در پیامی در رسانه‌های اجتماعی درباره احتمال بازگشت نوری المالکی به قدرت هشدار داد. او با اشاره به دوره پیشین نخست‌وزیری المالکی، تأکید کرد که در آن زمان عراق «به فقر و هرج‌ومرج» فرو رفت و تصریح کرد «نباید اجازه داد چنین اتفاقی دوباره تکرار نشود». ترامپ به‌صراحت اعلام کرد که اگر

المالکی به قدرت بازگردد، ایالات متحده دیگر به عراق کمک نخواهد کرد و بدون این حمایت، عراق شانس موفقیت، رفاه یا آزادی نخواهد داشت. او پیام خود را با شعار «عراق را دوباره عالی کنید» به پایان برد. نوری المالکی، رهبر ۷۵ساله حزب‌الدعوه اسلامی که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ دو دوره متوالی نخست‌وزیر عراق بود، اکنون از طرف «چارچوب هماهنگی شیعه» به‌عنوان نامزد رسمی نخست‌وزیری معرفی شده است. این فراکسیون سیاسی که اکثریت پارلمان عراق را در اختیار دارد، با این انتخاب باعث تشدید تنش‌های سیاسی در داخل عراق و واکنش‌های تند بین‌المللی شده است. منتقدان او بر این باورند که سیاست‌های او در دوران نخست‌وزیری‌اش، با به حاشیه راندن گروه‌های مختلف، زمینه را برای گسترش حضور سازمان تروریستی داعش فراهم کرد.

دو هفته پیش محمد شیباع السودانی نخست‌وزیر مستقر عراق، کناره‌گیری خود را از رقابت برای نخست‌وزیری اعلام کرد. این اقدام، در میانه مذاکرات سیاسی پس از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۲۵، راه را برای بازگشت نوری المالکی نخست‌وزیر پیشین، به قدرت باز کرد. رهبر حزب دموکرات کردستان و رئیس ائتلاف العزم، تقریباً بلافاصله در بیانیه‌هایی جداگانه، ضمن حمایت از تصمیم چارچوب هماهنگی گروه‌های شیعی برای معرفی نوری المالکی به عنوان نامزد نخست‌وزیری، بر لزوم همکاری ملی برای عبور از چالش‌های پیش‌روی عراق تأکید کردند. کمی بعد ائتلاف الحسم الوطنی به ریاست ثابت العباسی وزیر دفاع عراق هم حمایت خود را از نوری المالکی اعلام کرد. یاسر المالکی رئیس ائتلاف دولت قانون هم اعلام کرد که انتخاب المالکی برای تشکیل کابینه آتی یک انتخاب خوبی است. ماکلی حتی پس از کناره‌گیری اجباری در سال ۲۰۱۴ تحت فشارهای سنگین واشنگتن و مرجعیت دینی، هرگز از صحنه قدرت محو نشد. او با حفظ رهبری حزب‌الدعوه و تصدی پست معاونت ریاست‌جمهوری، نفوذ خود را در لایه‌های امنیتی و اداری حفظ کرد. روز شنبه، ائتلاف شیعی اعلام کرد که به دلیل «تجربه سیاسی و اداری»، او را برای پست نخست‌وزیری برگزیده است. رمزی مارینی، پژوهشگر دانشگاه استنفورد در گفت‌وگو با وال استریت ژورنال معتقد است این بازگشت غافلگیرکننده ربطی به دولتمردی او ندارد، بلکه ناشی از تمایل طبقه سیاسی شیعه به داشتن یک «مرد مقتدر» در رأس قدرت است. اگرچه آمریکا در شکل‌دهی به دولت‌ها نفوذ محدودی دارد، اما به دلیل قدرت مالی‌اش و نیز نیاز عراق به کمک‌های آمریکا، نوعی حق وتوی غیررسمی را اعمال می‌کند.

عراق همواره تلاش کرده است تا میان تهران و واشنگتن تعادلی ظریف برقرار کند. واشنگتن که از شراکت امنیتی با بغداد برای مهار بقایای داعش نفع می‌برد، اکنون با گزینه‌ای روبه‌روست

دیدار پوتین و الشرع در مسکو

سایه اسد بر روابط

روسیه ودولت جدید سوریه

پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه در دیدار قبلی خود در ماه اکتبر که اولین دیدار آنها پس از سرنگونی بشار اسد (متحد مسکو) توسط نیروهای شورشی تحت رهبری الشرع در سال ۲۰۲۴ بود، لحنی آشتی‌جویانه در پیش گرفتند.

با این حال، پناه‌دادن مداوم روسیه به اسد و همسرش از زمان برکناری، همچنان یک موضوع چالش‌برانگیز است. احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، بارها روسیه را برای استرداد آنها تحت فشار قرار داده است. الشرع همچنین به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نزدیک شده است؛ کسی که رهبر سوریه را فردی بسیار محترم خوانده و او را جوانی جذاب می‌داند.

به گزارش آسوشیتدپرس، دمتری اسکوف، سخنگوی کرملین، روز چهارشنبه پیش از این دیدار به خبرنگاران گفت: تردیدی ندارم که تمامی مسائل مربوط به حضور سربازان ما در سوریه نیز در جریان گفت‌وگوهای امروز مورد بحث قرار خواهد گرفت. در عین حال از اظهارنظر درباره اسد خودداری کرد.

کرملین اوایل این هفته نیروهای خود را از فرودگاه قاشملی در شمال شرق سوریه (تحت کنترل کردها) خارج کرد. با این اقدام، تنها پایگاه هوایی حمیمیم و پایگاه دریایی طرطوس در سواحل مدیترانه برای روسیه باقی مانده است؛ اینها تنها پایگاه‌های نظامی مسکو در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند.

روسیه در طول جنگ داخلی ۱۴ساله و خونین سوریه، متحد اصلی اسد بود و حملات هوایی متعددی را علیه مناطق تحت کنترل شورشیان (تحت فرماندهی نیروهای اسلام‌گرای الشرع) انجام داد. سرنگونی اسد ضربه بزرگی به نفوذ روسیه در منطقه وارد کرد و محدودیت‌های قدرت نظامی مسکو را در سایه جنگ اوکراین آشکار کرد.

سفر احمد الشرع به مسکو نشان‌دهنده ورود پرونده سوریه به مرحله‌ای جدید و معامله‌محور است. روسیه دیگر با متحد قدیمی و آشنای خود در دمشق طرف نیست، بلکه با رهبری مواجه است که شریک دیرینه مسکو، بشار اسد را سرنگون کرده و اکنون روابط خود را میان چند مرکز قدرت، ازجمله ایالات متحده و ترکیه مدیریت می‌کند.

این دیدار برپایه‌ای از پیش شکل‌گرفته بنا می‌شود. پوتین و الشرع نخستین بار در ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ در مسکو با یکدیگر دیدار کردند؛ نشستی که به‌عنوان تلاشی برای تنظیم مجدد روابط پس از سقوط اسد معرفی شد. آن دیدار چارچوب کلی را مشخص کرد: روسیه پذیرفت که الشرع رهبری است که باید با او کار کند و الشرع هم روسیه را به‌عنوان عاملی پایدار در معادله سوریه پذیرفت؛ به‌ویژه در شرایطی که کشور همچنان تکه‌تکه، دچار کمبود منابع مالی و آسیب‌پذیر در برابر فشارهای خارجی است.

رهبری جدید سوریه به دنبال خروج از انزوای راهبردی است، در حالی که با تحریم‌ها، احتیاط کمک‌دهندگان خارجی و پیام‌های ماندگار جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند. تعامل با روسیه که همچنان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و یک بازیگر نظامی حاضر در خاک سوریه است، این پیام را می‌فرستد که دمشق قادر به مدیریت روابط پیچیده و تأمین حدی از ثبات است. در عین حال، سیاست سوریه در قبال روسیه پیامی برای دیگر بازیکنان نیز دارد؛ با حفظ روابط با مسکو، دمشق نشان می‌دهد قصد ندارد به‌طور انحصاری به هیچ بلوک واحدی متکی شود.

اعلام‌مفقودی‌سندکمپانی‌خودرو

سند کمپانی یک دستگاه خودروی فیدلیتی البت به شماره

پلاک ۷۹۷ج ۳۳ ایران ۹۹ مدل ۱۴۰۴ به شماره موتور

SQRE4T15CBJRM61978 به شماره شاسی

NAGC7AB4FS1005706 به رنگ سفید به مالکیت

شرکت بهمن موتور مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

تهدید رئیس‌جمهور آمریکا به قطع کامل حمایت‌های مالی وامینتی از بغداد

المالکی در برابر سد ترامپ



که پیش‌تر در سال ۲۰۱۲ روابط با ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس را به تیرگی کشانده بود. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا، اگرچه از همکاری بغداد در انتقال اسرای داعش قذردانی کرد، اما موضع سخت ترامپ نشان می‌دهد که همکاری‌های فنی لزوماً به معنای اعتماد سیاسی به چهره‌های وفادار به دشمنان واشنگتن نیست.

تهدید بودجه ۲۰۲۶

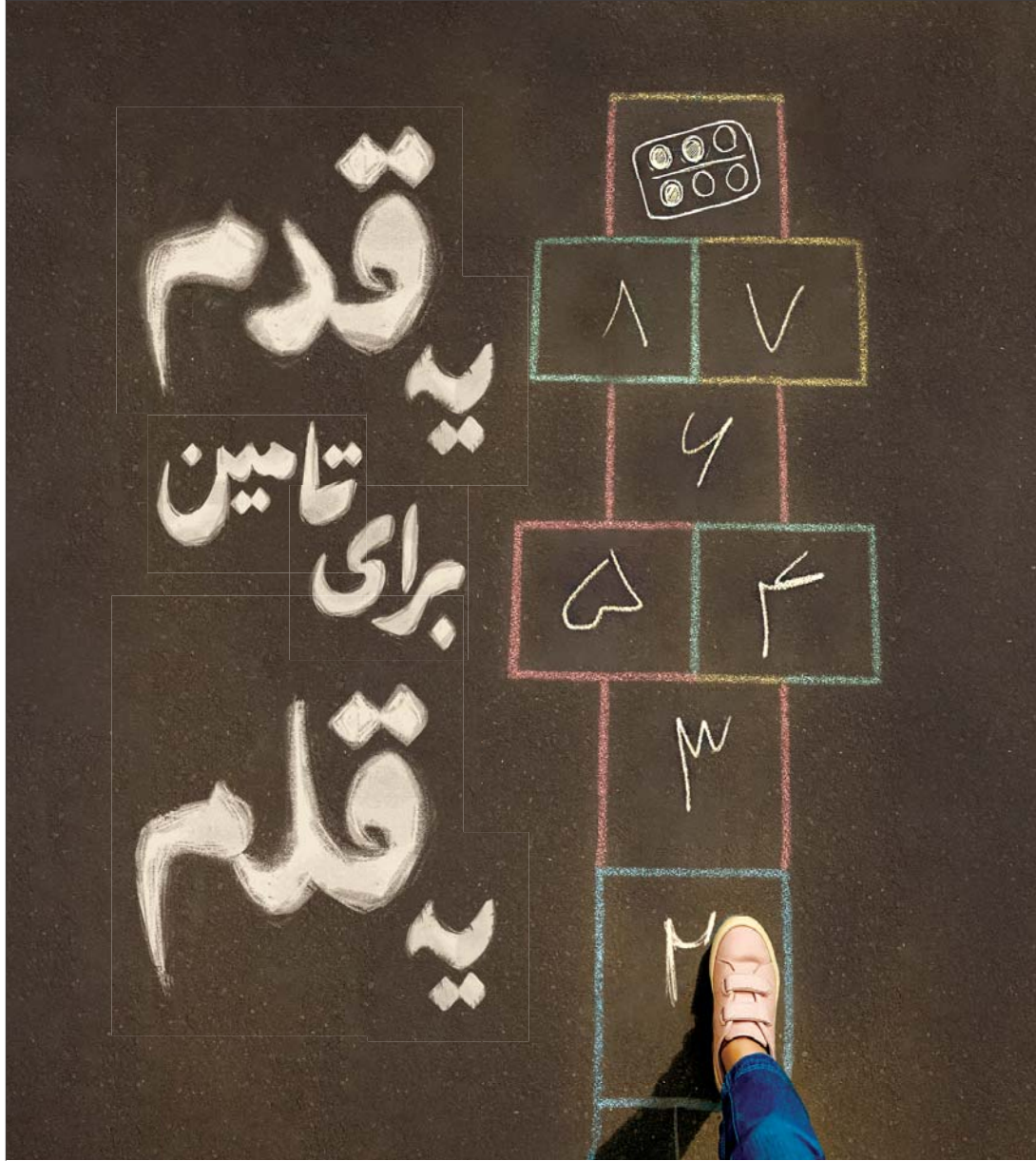
بازگشت المالکی تنها یک جابه‌جایی سیاسی نیست، بلکه با تهدید اخیر رئیس‌جمهور آمریکا، تهدیدی مستقیم برای شریان حیات اقتصادی عراق در بودجه سال مالی ۲۰۲۶ محسوب می‌شود. اقتصاد عراق به‌شدت به جریان دلار وابسته است که از طریق فدرال‌رزرو مدیریت می‌شود. قطع کمک‌های آمریکا که ترامپ وعده آن را داده، فراتر از کمک‌های نظامی سالانه است. این اقدام می‌تواند منجر به تحریم بانک مرکزی عراق و مسدودشدن دسترسی بغداد به ذخایر ارزی خود شود که بیش از صد میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. در چنین سناریویی، ارزش دینار در برابر دلار سقوطی آزاد را تجربه خواهد کرد که نتیجه فوری آن تورم لجام‌گسیخته و ناتوانی دولت در پرداخت حقوق کارمندان و بازنشستگان خواهد بود.

در لایحه هزینه‌های نظامی، بودجه ۲۰۲۶ عراق با حفره‌ای عمیق مواجه خواهد شد. ایالات متحده سالانه صدها میلیون دلار تجهیزات، آموزش و پشتیبانی لجستیکی به ارتش عراق ارائه می‌دهد. با قطع این اعتبار، نه‌تنها توان رزمی نیروهای مسلح در برابر هسته‌های خفته داعش فلج می‌شود، بلکه قراردادهای نگهداری جنگنده‌های اف-۱۶ و تانک‌های آپرامز نیز به حالت تعلیق درخواهد آمد. این خلأ امنیتی، هزینه‌های سنگین‌تری را برای جایگزینی تسلیحات از منابع شرقی به بودجه تحمیل می‌کند که در شرایط تحریم ارزی، عملاً غیرممکن است. این بن‌بست مالی، عراق را به سمت یک فروپاشی اقتصادی سوق می‌دهد که بسیار فراتر از بحران‌های مالی دهه گذشته خواهد بود. به نوشته دیلی صباح و به نقل از عادل نوری سخنگوی «کمیسون شفافیت عراق» ادعا شده است که در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴، حدود ۵۰۰ میلیارد دلار از بودجه عمومی ناپدید شده یا به هدر رفته است. این رقم نجومی که با قیمت‌های امروز برابری می‌کند، در سایه فساد سیستمی و قراردادهای صوری ناپدید شد. تحقیقات پارلمانی از وجود ۵۰ هزار «سرباز شیخ» در ارتش پرده برداشت؛ افرادی که وجود خارجی نداشتند اما حقوق آنها به جیب فرماندهان نزدیک المالکی می‌رفت. حتی قرارداد تسلیحاتی ۴۰۲ میلیارد دلاری با روسیه در سال ۲۰۱۲ به دلیل ادعاهای گسترده رشوه فروپاشید و عراق را در رده یکی از فاسدترین کشورهای جهان عرب قرار داد. در نهایت، سقوط موصل در ژوئن ۲۰۱۴ به دست تروریست‌های داعش، ضربه نهایی را وارد کرد. بازرسان پارلمانی، المالکی را مسئول این فاجعه معرفی کردند و از ناپدیدگفتن حشدرها و سیاسی‌کردن ساختار فرماندهی سخن گفتند. در آن زمان ۳۰ هزار سرباز عراقی با کمترین مقاومت شهر را تسلیم کردند. سوابق او نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۹ و پس از فرار از آزار و اذیت در دوران رژیم صدام، دهه‌ها در ایران و سوریه با نام مستعار «جواد» فعالیت کرده و پیوندهای عمیقی در این کشورها برقرار کرده است.

گزارش

تردید واشنگتن درباره رودریگز

ارزیابی اطلاعاتی اخیر آمریکا شیهاتی درباره همکاری رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا با کاخ سفید در زمینه قطع ارتباط با رقبای واشنگتن ایجاد کرده است. به نوشته روتترز، مقامات آمریکایی به‌طور علنی اعلام کردند که می‌خواهند رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا روابط با متحدان نزدیکی مانند ایران، چین و روسیه را ازجمله با اخراج دیپلمات‌ها و مشاورهای آنها از ونزوئلا قطع کند. دلسی رودریگز که نمایندگان این کشورها اخیرا در ژانویه در مراسم تحلیف او شرکت کرده بودند، هنوز رسماً چنین اقدامی را اعلام نکرده است. او پس از بازداشت «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا از سوی آمریکا، در سوم ژانویه رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا شد. به گفته منابع مطلعی که می‌خواستند هویت‌شان فاش نشود، گزارش اطلاعاتی آمریکا بیان می‌کند مشخص نیست که رودریگز کاملاً با راهبرد آمریکا در این کشور همسو باشد. روتترز نوشت که واشنگتن می‌خواهد نفوذ رقبای خود را در نیمکره غربی، ازجمله در ونزوئلا کاهش دهد. ترامپ در این کشور آمریکای لاتین به دنبال بهره‌برداری از منابع نفتی آن است. اگر قرار باشد رودریگز با رقبای آمریکا قطع ارتباط کند، فرصت بیشتری برای سرمایه‌گذاری آمریکا در بازارهای انرژی ونزوئلا ایجاد خواد شد. اما اگر واشنگتن قادر به کنترل رودریگز نباشد، مانعی برای تلاش‌های آن در هدایت حاکمان موقت این کشور از راه دور و پرهیز از ایفای نقش نظامی بیشتر آمریکا ایجاد خواهد شد. یک مقام ارشد دولت ترامپ به شرط فاش‌نشدن هویتش گفت که رئیس‌جمهور آمریکا «به اعمال فشار حداکتری علیه رهبران ونزوئلا ادامه می‌دهد و انتظار دارد این همکاری ادامه پیدا کند». منتقدان راهبرد ترامپ در قبال ونزوئلا درباره منطق نگه‌داشتن وفاداران به مادورو در قدرت به‌عنوان حاکمان موقت آن شبهاتی دارند. همچنین نگرانی‌ها درباره قابل اعتماد بودن رودریگز حتی پیش از عملیات نظامی آمریکا نیز وجود داشت.



#۷۳۱*

نو هم برای حمایت
یه قدم بردار

شماره کارت بانک شهر

۵۰۴۷-۰۶۱۰-۹۰۰۶-۶۶۸۵



مؤسسه خیریه حمایت از

کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

۰۲۱-۲۳۵۴۰